

فاتحان شکست خورده در خیابان های بغداد!

ارتش آمریکا همراه با دوستان انگلیسی شان بغداد را فتح کردند!

تانک های آمریکایی و انگلیسی در خیابانهای ویرانه بغداد مستقر شدند و سربازان مسلح، آماده آتش در خیابان های خالی از سکنه، فاتحانه هر کدام خود را رامبویی حس می کردند که در فیلم های هالیوود دیده بودند، رامبوی نجات دهنده وحشی های بی تمدن.

لحظاتی بعد کانال های تلویزیونی مستقیماً تصاویری پخش کردند، ناگهان دسته ای مرد سروکله شان پیدا شد. مستقیم به دوربین نگاه می کردند و در حالی که هیستریک شعار می دادند، لباس های خود را در آوردند، و بعد خیابانها را یکی پس از دیگری با فریاد طی کردند و دوربین به دنبال این استقبال کنندگان سربازان آمریکایی روان بود... دوربین در بدر بدنیال تصاویری از استقبال و شادی مردم از اشغالگران است. مردی تصویر بزرگی از صدام را با لنگه کفش می زند و مرد دیگری دشنادشه اش را بالا زد و آلت تناسلی خود را به تصویر صدام مالید و شادی ادامه دارد... عده ای در حال غارت و دزدی اماکن عمومی، دفاتر و بیمارستانها زیر نظر ارتش اشغالگر در تصاویر خبری دیده می شدند. مردی چند صندلی در دست داشت، دیگری در حال دویدن و حمل گلدانی بود، آن دیگری کاسه توالتی را روی شانه داشت و دستش را با علامت پیروزی در مقابل دوربین فیلمبرداری مستقر در تانک های نظامی گرفته بود... اشغالگران با آرامش بر غارت موزه بغداد و ویران کردن آثار تاریخی نظارت کردند، همانهایی که برای نابودی مجسمه بودا توسط طالبان اشک نمساح می ریختند!

لحظه به لحظه تصاویری مونتاز می شد تا «شکوه» اشغالگری را به مردم جهان نشان دهند. این نمایش کمدی فتح بغداد و شادی «مردم» از سرنگونی صدام بود.

اما تراژدی واقعی در پشت صحنه و خارج از لنز دوربین «گزارشگران» جنگی جریان داشت. هزاران مجروح در بیمارستان های غارت شده، در بیمارستانهایی که به دلیل سالها تحریم اقتصادی حتی داوری ضد عفونی بسختی یافت می شود، آخرین لحظه های زندگی را با درد به پایان رساندند. اشک خشک شده پدری بالای جسد کودکش، آه و نفرین مادرانی که از شدت خشم بخود می پیچیدند...

پشت صحنه نیز غارت بود، غارت ثروت مردم، غارت تاریخ مردم، غارت ارزش های انسانی، غارت حقوق اولیه مردمی که می خواهند خود ارباب خود باشند، می خواستند خود دیکتاتور خودی را سرنگون کنند، مردمی که در مقابل اشغالگران مقاومت کردند، نه برای تداوم حکومت یک دیکتاتور، بلکه برای حفظ غرور خود. مردمی که نمی خواهند تصویر شان در چشم جهانیان، تصویر تحقیر شده آنان در مقابل سربازان اشغالگر برای یک جرعه آب باشد. شاید واقعی ترین تصویری که مراکز دروغ رسانی پخش شد، صحنه ای بود که سربازان آمریکایی بر روی مجسمه صدام پرچم آمریکا را کشیدند. عوض شدن اوضاع در همین حدی است که دیدید! همه چیز سر جای خود خواهد بود. باز نفت غارت خواهد شد، دستگاههای سرکوبگر شروع بکار خواهند کرد، دهلیرهای مخوف شکنجه برای قتل آزادی، برای نوکران بعدی سرچای خود می ماند و اگر هم بمبی خورده اند تعمیر خواهند شد... این همه بمب، این همه کشتار، فقط برای این بود که نوکر برود و ارباب بیاید.

اما چیزی در جهان عوض شد، چیزی که عظمت آن در عدسی دوربین جای نمی گیرد.

آمریکا فاتحی شکست خورده شد. شکست دولت آمریکا و انگلیس از زمانی آغاز شد که میلیونها نفر به خیابانها آمدند تا یکصدا بگویند این جنگ تجاوزکارانه است. این جنگ برای نفت است، بوش و بلر جنایتکاران جنگی باید محاکمه شوند. آمریکا مشروعیت سیاسی خود را از دست داد. هیچگاه، آمریکا به این درجه منفور جهانیان نبود. هیچگاه مردم جهان اینگونه در کنار هم قرار نداشتند، برای یک امر مشترک، جهانی عادلانه و عاری از جنگ و تجاوزگری. میلیونها انسان در گوشه و کنار جهان، که حتی نام کشور یکدیگر را نمی دانستند، کلام مشترک خود را یافتند. هیچگاه مشروعیت رسانه های بین المللی اینگونه زیر سوال نرفته بود. دیگر امری عادی است که مردم هنگام تماشای تصاویر و شنیدن اخبار، ساختگی بودن آنها را به تمسخر بگیرند.

میلیونها جوان آموختند چگونه علیه مرتجعین مبارزه کنند، کوتاه نیایند و دلسرد نشوند. تظاهرات عظیم اسپانیا با شعار «این پیروزی مشروعیت ندارد!» نمای کوچکی از آن است. البته امپریالیسم آمریکا از تجاوز و جنایت دست نخواهد کشید، اما مردم جهان نیز بیدار شده اند و دیگر از مقاومت در مقابل این جنایتکاران دست نخواهند کشید.

مردم ایران نیز بالاخره یکبار بعینه محتوای شعار مرگ بر شیطان بزرگ را دیدند. مرتجعین اسلامی برای خوش خدمتی در بارگاه شیطان بزرگ از هیچ خوش رقصی دریغ نکردند. آنها که عمر خود را آفتاب لب بام می بینند، می خواهند ارباب را راضی کنند تا لیاقت آنها را برای نوکری خود قبول کند.

هوراکشان ایرانی جنگ و تجاوز نیز صف کشیده، اندر مزیای تجاوز آمریکایی قلم فرسایی می کنند. می گویند هر چی باشد مردم از شر جمهوری اسلامی راحت می شوند. حال اینکه اینان اغلب بازجویان و مقامات امنیتی رژیم اسلامی و با طرفداران سلطنت هستند. معلوم شد که از مامور ساواک و ساواما بودن تا مداح سیا و پنتاگون بودن راه زیادی نیست، مبارکتان باشد!

ما زنان ایرانی باید چشم های خود را بازتر کنیم، کنار مردم جهان و قضاوت های آنان قرار گیریم. و نگذاریم حق مشروع مان که همان سرنگونی رژیم اسلامی است و ارباب سرنوشت خود شدن، مورد تجاوز و دست درازی و زد و بند مرتجعین و امپریالیستهای قرار گیرد!